

گزارشی از راه حج و اماکن مقدسه مکه و مدینه از سال ۱۳۹۶ق.

(بر اساس سراج المناسک از اسماعیل مجاور و محمد بیک ساوجبلاغی)

رسول جعفریان

چکیده

اثری در مناسک حج در اختیار نویسنده ای قرار گرفته و او ضمن درج آن در یک متن، گزارش هایی پیرامون راه حج، و اماکن مقدس مکه و مدینه در آن افزوده و در جاهای مختلف این متن قرار داده است. گزارش موجود که در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ ق. فراهم آمده، توسط یکی از هموطنان سنی مذهب نگاشته شده و در این مورد تلاش کرده است تا ما را در جریان مسیر راه حج، و ویژگی برخی از شهرها، همچنین بیان مسافت میان شهرها قرار داده و در مکه و مدینه نیز، از اماکن مقدس آن، آنچه به نظرش جالب آمده است، بیان کند؛ به طوری که خواهید دید، این متن از جهت اشمال بر برخی از جزئیات می تواند روشنگر نکات جالب توجهی در باره ادبیات حج و نیز موضوع اماکن مقدس باشد.

کلید واژه ها: اسماعیل مجاور، ساوجبلاغی، مکه، موصل، شام، جنة المعلاة، کوه ابوقبیس، کوه ثور، کوه نور، جده، ایران.

از جده تا ساوجبلاغ

رساله‌ای فارسی در مناسک حج، بر اساس مذهب اهل سنت، از یکی از هموطنان ایرانی ما، از اهالی منطقه ساوجبلاغ در ارومیه از اواخر قرن سیزدهم هجری در دست است که از جهاتی قابل تأمل می‌باشد. این رساله که اصل آن سراج المناسک نام دارد و به شماره ۱۷۵۲۷ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود، از نویسنده‌ای با نام اسماعیل مجاور و ترجمه محمد بیک ساوجبلاغی است. تاریخ ختم این رساله ۱۲۹۶ بوده و یادداشت‌هایی هم از سال ۱۲۹۷ روی نسخه به چشم می‌خورد.

این اثر، حاوی چند متن است. اصل آن، رساله‌ای در مناسک است که افزون بر مناسک، اطلاعات مکه و مدینه شناسی و نیز راه حج دارد که مقاله حاضر به گزارش آن بخش‌ها خواهد پرداخت. اما چنان که اشاره شد، جز آن، اصل هدف، بحث از حج و زیارت است. پیش از شروع کتاب، یادداشت‌های پراکنده‌ای روی نسخه آمده که یکی در باره گزارش یک نکاح و تعیین صداق است که عبارت از سی مثقال طلا و دو... ابریشم است. رساله از فریم ۷ آغاز شده و تا فریم ۷۷ ادامه می‌یابد؛ چنان که گفته شد، صفحاتی از این کتاب در باره راه رفتن از طریق موصل به شام و از آنجا به مدینه و مکه و راه بازگشت از طریق جده و دریا به مصر و استانبول و سپس با زگشت به ایران تا ارومیه و ساوجبلاغ است.

بخشی هم در معرفی اماکن زیارتی مدینه و مکه.

این بخش‌ها در این مقاله گزارش خواهد شد؛

در فریم ۷۹ اشعاری از جامی آمده است که شامل هفت بند او در وصف رسول ﷺ

است و تا فریم ۸۶ ادامه دارد.

تاریخ ختم نگارش آن، چهارم ربیع الثانی ۱۲۹۷ است. پس از آن تعدادی تاریخ

ولادت و وفات آمده که مربوط به سالهای ۱۳۰۷ق. تا ۱۳۱۴ق. است.

در فریم ۸۷ هم یک تاریخ وفات از ۱۳۱۶ و یک نسخه برای درد چشم آمده است.

در فریم ۸۹ یادداشتی آمده با این عنوان:

صورت آنچه باید ان شاء الله تعالی در مکه معظمه خریده با خود بیاورم:

قرآن چاپ رسم یک جلد، دلائل الخیرات چاپی، یک جلد، کتاب احیاء العلوم غزالی یک جلد، جواهر التفسیر کاغذ زرد چاپ مصر یا غیره ۴ مجلد در یک جلد خوش خط باشد، ان شاء الله تعالی تا مقدور شود اینها را خریده با همراه خود بیاورید به شرطی که خودتان بپسندید. ماهوت نباتی انگلیس کفاف یک ثوب جبه اگر ممکن شد همانجاها دوخته بیاورید، و الا خود ماهوت هم باشد ... نیست در همین جاها دوخته می شود. کتابهای دیگر از کیمیای سعادت و معارج النبوه مولانا معین یا هرچه غریبه و خوب به نظر شما مطبوع شده، بخرید، ان شاء الله فراموش نشود. جواهر التفسیر چهار مجلد تمام است. ۴ جلد مزبور لازم است. فی شب ۱۷ شهر رجب المرجب ۱۲۹۷.

از فریم ۹۱ به بعد، برخی ادعیه در این نسخه درج شده که تا فریم ۱۰۴ ادامه دارد. پس از چند صفحه سفید، باز یک سری دعا آمده و سبک نسخه جووری است که کهنه تر به نظر می رسد. این ادعیه از فریم ۱۰۷ آغاز شده تا آخرین فریم این نسخه که ۱۲۲ است ادامه دارد. این ادعیه و سلامها شبیه آن چیزی است که در دلائل الخیرات به چشم می خورد. اما به معرفی رساله اصلی این مجموعه؛ یعنی سراج المناسک پردازیم. در آغاز کتاب، پس از حمد و ستایش خدا و رسول آمده است:

«چنین گوید: اقل الفقهاء اسماعیل المجاور - غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه - که در زمان ارشاد قطب دایرة الارشاد غوث الثقلین علی الصداد الراکع الساجد المجاهد مرشد الاکرام و سید الماجد، شیخنا و مولانا ضیاءالدین شیخ خالد ذی الجناحین - قدس الله سرّه العزیز - و هم در عهد سلطنت اعدل الخواقین و اعظم السلاطین تاج الشریعة القویمة سالک الطریقة المستقیمة ظل الله علی الانام حامی بیضة الاسلام ماحی ظلمة الکفر و الظلام، السلطان عبدالمجید خان - اللهم انصر و اید الاسلام و جنوده متى کان و یكون بجنود لم تروها بحرمة سید الانام علیه آلاف التحية و السلام و آله البررة الکرام، چون دیدم که اکثر مناسکات حج شرح و بیان طولانی دارد و اعم اهل این زمان به واسطه عدم طاقت و توانایی به اختصار میل داشتند که از خواندن و یاد گرفتن کلال می افزود، لهذا خلاصه واجبات و سنتهای مناسکات را از کتابهای متعدده که در این باب تألیف کرده بودند، در دارالعلم مکه معظمه استخراج نمودیم که تا طالبان راه حج و عمره از ادعیه که در بعضی از مواضع مخصوصه بدان احتیاجی بوده باشد فایده یابند و آن را سراج المناسک نام کردیم. بدان که ای سالک راه دین که اول این

رساله شریفه را به عربی تصنیف نموده بودند، پس این حقیر سراپا تقصیر؛ اعنی شیخ محمد بین بن مرحوم موسی خان ساوجبلاغی مکرری، در سنه هزار و دویست و شصت و چهار هجری آن را به فارسی ترجمه گردانید که تا فایده اش اعم و ثوابش اتم و جاهلان و عامیان را نزدیکتر بفهم باشد. امید که منظور نظر دانشمندان و مقبول خاطر خردمندان گردد و حقیر نیز با کافه اسلام از خواص و عوام، از آن، مستفیض و بهره یاب شوند، و الله اعلم بالصواب.»

بدین ترتیب، همه اطلاعات در این متن آمده است. کتابی به عربی در مکه تألیف شده و شیخ محمد بیگ ساوجبلاغی آن را به فارسی برگردانده است. البته این که مقدمه که به نام اسماعیل المجاور است و خود را مؤلف می داند چه ارتباطی با این مترجم دارد، ممکن است فرض شود که او مؤلف بوده و این مترجم است؛ در این صورت باید گفت اطلاعات مربوط به راه، باید از مترجم باشد، مگر آن که فرض کنیم اسماعیل مجاور هم ایرانی بوده که بعید است.

نگاشته شدن رساله در مکه، آن هم به عربی، سبب شده است که کتاب به نام سلطان عبدالمجید عثمانی باشد. بنابراین، نباید تصور کرد که مثلاً یک سنی ایرانی چنین کرده باشد. چنان که گذشت عمده کتاب، مناسک حج است که طی فصولی بیان شده است. اما در بخش های آغازین، میانین، و انتهای مطالبی در باره راه حج و اماکن هست که به ترتیب و عیناً آنها را در اینجا می آوریم.

راه موصل تا شام

هر که در راه خشکی از نفس و مال خود بترسد، بر وی لازم است که از راه دریا رفته حج بگذارد، اگر غالب از آن دریا به سلامت بود و اگر غالب آن دریا به سلامت نبود، رفتن لازم نباشد، بلکه حرام بود رفتن، و صبر کند تا راه امن شود.

از بلد موصل تا شام شریف، سی و پنج منزل است به این ترتیب:

اول؛ قریه طلستوف است، دوم؛ قریه دلوب، سیم؛ قریه عاصی، چهارم؛ قریه مغاره، پنجم؛ قریه جزیر، ششم؛ قریه غوا [قوا]، هفتم؛ قریه حاجی لو، هشتم؛ قصبه مصیین، نهم؛ قریه عمود، دهم؛ بلد ماردین، یازدهم؛ قریه سلطان شیخ موسی، دوازدهم؛ قریه آحیایی،

سیزدهم؛ بلد دیاربکر، چهاردهم؛ قریه مزره، پانزدهم؛ قریه باغچه، شانزدهم؛ قصبه سویرک، هفدهم؛ قریه مشمش، هجدهم؛ قریه رأس العین، نوزدهم؛ بلد عرفا، بیستم؛ قریه ملچک، بیستم و یکم؛ قصبه سلچوک، بیست و دوم؛ قریه مدار، بیست و سیم؛ قریه مصری، بیست و چهارم؛ قریه صبغه، بیست و پنجم؛ بلد حلب، بیست و ششم؛ قریه خان تومان، بیست و هفتم؛ قریه سلیمی، بیست و هشتم؛ قصبه معرا، بیست و نهم؛ قریه خان شیخون، سی ام؛ قصبه حما، سی و یکم؛ قریه حمص، سی و دوم؛ قریه ایکی قاپی، سی و سیم؛ قریه بنک، سی و چهارم؛ قدیفه، سی و پنجم؛ شام شریف.

از شام تا مکه مکرمه

در بیان فضیلت شام شریف؛ حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - فرموده است: «صلاة فی الأرض المقدسة بخمسائة و کذا سائر الاعمال»؛ یعنی یک رکعت نماز که در ارض مقدس بگذارند، ثوابش برابر پانصد نماز دیگر است و سایر اعمال دیگر همچنین.

و از شام شریف تا مکه مکرمه، سی و هشت منزل است، نه کمتر بود و نه بیشتر، به این ترتیب:

اول؛ خان زنون، پنج ساعت است. در آنجا آب جاری دارد.

دویم؛ کدیفه ده ساعت است. در آنجا آب دارد.

سیم؛ قریه مزیرب [مذیرب]، ده ساعت است. در آنجا نهری کوچک دارد.

چهارم؛ رُمطا، پنج ساعت است. در آنجا آب نیست.

پنجم؛ مفرق، ده ساعت است. در آنجا آب نیست.

ششم؛ زلقا، ده ساعت است. در آنجا نهری کوچک و نیستانی بسیار دارد.

هفتم؛ بلقا، پانزده ساعت است. در آنجا آب نیست، لیکن در میان قلعه، چاهی باشد

و در آنجا آب دارد.

هشتم؛ قطران، دوازده ساعت است. در آنجا آب نیست، لیکن در میان قلعه چاهی باشد.

در آنجا آب دارد.

نهم؛ حصیه، دوازده ساعت است. در آنجا آب دارد.

دهم؛ عنزه، دوازده ساعت است. در آنجا آب نیست، لیکن در میان قلعه چاهی باشد. در آنجا آب دارد، و اما آب این چاهها که مذکور شد، همین از برای قلعه قلعه‌ها می‌باشد و کفایت حجاج نمی‌کند.

یازدهم؛ قریه معان، هفت ساعت است. در آنجا آب جاری دارد.

دوازدهم؛ دار العقبه، دوازده ساعت است. در آنجا آب نیست.

سیزدهم؛ مدوره، بیست ساعت است. در آنجا آب دارد.

چهاردهم؛ دار الحج، هشت ساعت است. در دار الحج آب دارد.

پانزدهم؛ ابقای صغیر، دوازده ساعت است. در آنجا آب نیست.

شانزدهم؛ قریه تبوک، دوازده ساعت است. در آنجا آب دارد. آن را عاصی خرما نیز گویند.

هفدهم؛ رأس المغره، دوازده ساعت است. در آنجا آب نیست.

هجدهم؛ دار الاخضر، دوازده ساعت است. در آنجا آب دارد.

نوزدهم؛ برک معظم، پانزده ساعت است. در آنجا آب دارد.

بیستم؛ دار الحمره، دوازده ساعت است. در آنجا آب نیست.

بیست و یکم؛ مداین صالح، پانزده ساعت است. در آنجا آب دارد.

بیست و دویم؛ سهل مطران، پانزده ساعت است، در آنجا آب نیست.

بیست و سیم؛ بئر جدید، چهارده ساعت است و در پایین سهل مطران تا بئر جدید نیز

آب نیست مگر موضعی مخصوصه که در این ما بین آب دارد و از آنجا تا بئر

جدید مقدار سه ساعت است.

بیست و چهارم؛ هدیه، شانزده ساعت است. در آنجا آب نیست مگر اندکی که آن هم

از کندن زمین پیدا می‌شود.

بیست و پنجم؛ مخلطین، نوزده ساعت است. در آنجا آب دارد.

بیست و ششم؛ بئر نصیب، نه ساعت است. در آنجا آب دارد.

بیست و هفتم؛ مدینه منوره، نوزده ساعت است، در آنجا آب جاری دارد.

بیست و هشتم؛ بئر علی، سه ساعت است. در آنجا آب دارد.

بیست و نهم؛ شهدا، چهارده ساعت است. در آنجا آب نیست لیکن در اثنای راه چاهی

باشد در آنجا اندکی آب دارد و ما بین چاه مزبور تا شهدا، چهار ساعت است.

سی ام؛ قریه جلدیده، دوازده ساعت است. در آنجا آب جاری دارد.

سی و یکم؛ قریه بدر، ده ساعت است، در آنجا آب دارد، لیکن اکثر حجاج به سبب خوبی و خوشی آب را از بالای قریه صفرا برداشته با خود به بدر می‌برند.

سی و دوم؛ القای کبیر، شش ساعت است. در آنجا آب نیست.

سی و سیم؛ بئر مستوره، دوازده ساعت است. در آنجا آب دارد.

سی و چهارم؛ قریع رابع، هشت ساعت است. در آنجا آب دارد.

سی و پنجم؛ بیار کاظمه، پانزده ساعت است. در آنجا آب نیست.

سی و ششم؛ قریه حُلَیس، نه ساعت است. در آنجا آب جاری دارد.

سی و هفتم؛ وادی فاطمه، شانزده ساعت است، در آنجا آب جاری دارد.

سی و هشتم؛ مکه مکرمه - زادها الله شرفا و تعظیما - شش ساعت است. در آنجا آب دارد.

از آبی که زبیده خاتون زن هارون الرشید آورده است و غیر آن، آب دیگر هم دارد.

بدان که چون حجاج از شام شریف راهی و روانه مکه معظمه شوند، در اثنای راه در پنج موضع اوتراق [اطراق] و استراحت می‌کنند:

اول؛ در قلعه مذیرب، که بیست و هفتم ماه شوال حجاج از آنجا کوچ نموده به رُمطا می‌روند.

دوم؛ در قریه مُعان، یک روز و نیم.

سیم؛ قریه تبوک، یک روز و نیم.

چهارم؛ مداین صالح، یک روز و نیم.

پنجم؛ در مدینه منوره سه روز، و در جای دیگری نیز نیم استراحتی می‌کنند: اول در قریه بدر، نیم روز، دویم در قریه رابع نیم روز.

از مکه مکرمه تا منا سه ساعت است. در آنجا آب دارد و از منا تا مزدلفه یک ساعت است. در آنجا آب بسیار دارد، از آب زبیده خاتون، و از مزدلفه تا عرفات دو ساعت است. در آنجا آب جاری دارد از آب زبیده خاتون.

و وقت بازگشتن از حج، بیست و هفتم ماه ذی الحجة الحرام، محمل شریف شام و حجاج از مکه مکرمه کوچ نموده به وادی فاطمه می‌آیند. (فریم ۱۴ - ۱۷).

و در وصف بقیع می‌نویسد (فریم ۳۳ - ۳۴):

و گور عثمان بن عفان را زیارت کند و آن در گنبدی بود و گور امام عباس و حسن بن علی در گنبدی باشند. و گور ابراهیم بن رسول الله ﷺ در گنبدی بود. و هم زیارت کند مکان آن مائده را؛ یعنی خوان نعمت که از آسمان نازل شد برای حضرت عیسی - علیه السلام - و آن بر بالای گنبد ابراهیم است. و گور ابوسعید خدری در گنبدی بود و او از اصحاب حضرت رسول الله است ﷺ، و گور نافع در گنبدی بود، نزدیک گنبد امام مالکی، و او هم اصحاب [!] حضرت رسول الله است - صلی الله علیه و تعالی و سلم - و گورهای زنان حضرت رسول ﷺ در گنبدی باشند و گور امّ کلثوم و رقیه دختران حضرت رسول الله در گنبدی باشند، و ایشان هر دو، زوجه امام عثمان بوده‌اند و گور حلیمه خاتون، دایه حضرت رسول الله در گنبدی بود. و گور علی بن حسین، و گور محمد بن علی، و گور جعفر بن محمد و گور محمد باقر [علیهم السلام] و گور صفیه، عمه حضرت رسول ﷺ و گور ستنا فاطمه دختر اسد - رضی الله تعالی عنها - مادر علی بن ابی طالب و گور اسماعیل بن جعفر صادق و گور عقیل و او از اصحاب حضرت رسول الله ﷺ، و در مسجد فاطمه زهرا [س] نماز بگزارد و جمیع ایشان در جنت البقیع می‌باشند و گور عبدالله پدر حضرت رسول الله را زیارت کند، و راهش راه باب السلام است، هم گور مالک بن سنن [!] که او اصحاب حضرت رسول الله است ﷺ و آن از بالای گور عبدالله می‌باشد. و مسجد غمامه و مسجد ابی بکر و مسجد عمر و مسجد علی، اینها همه در شهر مدینه می‌باشد.

و سنت است که روز پنج شنبه به احد رفته آن سنگ را زیارت کند... و زیارت کند دندان مبارک اشرف المرسلین را - صلی الله تعالی علیه و علی آله و اصحابه و سلم اجمعین - و بر بالای آن ایوانی ساخته‌اند و گور امام حمزه در گنبدی اعلا بود که زینت بسیار و تجملات بی‌شمار دارد. و هم زیارت کند گور عبدالله بن جحش و گور مصعب بن عمیر، و گور شمیس [= شمّاس] بن عثمان را، و از بالای کوه احد گنبدی هست که در آنجا شیخ هارون مدفون است و گویند که او هارون برادر حضرت موسی - علیه السلام - است... و به چاه اریس [در قبا] بیاید که حضرت رسول ﷺ آب دهان مبارک خود را در آن انداخته است، و آن چاه نزدیک مسجد قبا است و از آن آب، وضو کند و بیاشامد... (فریم ۳۵).

جنت المعلاة

در باره جنت المعلاة یا همان گورستان که میان ایرانیان به قبرستان ابوطالب شهرت دارد، می نویسد (فریم ۴۷ - ۴۸):

و هم سنت است که در دارالعلم که مکرمه سی و پنج جایگاه را زیارت کنند که هر آینه دعا مستجاب خواهد شد در آن جایها. از آن جمله جمرة العقبه است و آن در زمین مکه باشد، و مسجد عشر که ده مرد در آنجا ایمان آوردند، به حضرت رسول ﷺ، و آن نزدیک منا باشد، و مسجد الجن که جنیان در آنجا به خدمت حضرت رسول ﷺ آمدند و ایمان به وی آوردند، و هم در آنجا سوره «قل أوحی» نازل گشت، و آن نزدیک معلى است. و مسجد الحصب و آن از بالای معلى می باشد. و جنة المعلاة و آن دو گورستان است و ما بین آنها هشت گز بود، به گز شاهی و هر یک حوشی دارد از سنگ و گچ.

در گورستان اول، گور عبدالله بن زبیر باشد، و او [از] اصحاب حضرت رسول ﷺ است و گور اسماء دختر ابی بکر (رض) و گور شیخ احمد مشهور به ابن حجر، و گور شیخ طبری نزدیک ابن حجر، و گوش شیخ هبیت الله، و گور شیخ محمد صالح قریشی، و گور شیخ ابراهیم چزیری؛ و سایر صحابه و علما و اولیا و شهدا در آنجا بی شمار است. و در گورستان دوم، گور آمنه خاتون، مادر حضرت رسول ﷺ در گنبدی بود و گور خدیجه خاتون زوجه حضرت رسول ﷺ در گنبدی بود، و گور سید محمد ولی در گنبدی بود، و گورهای سلاطین مصر در گنبدی باشند، و گور عبدالرحمان بن ابی بکر و گور محمد بن ابی بکر (رض) و گور ماریه، دختر شمعون قبطیه، جاریه حضرت رسول ﷺ که مادر ابراهیم بوده، و گور مادر عبدالرحمان، زوجه ابی بکر و سایر صحابه و علما و اولیا و شهدا در آنجا بسیار است. و گور ابوطالب... و مسجد اجابه و مسجد رایه؛ و مدعا، و (آن) در بازار باشد از راه عرفات، علامتش دو میل اند از برابر یکدیگر نزدیک تکیه غوث الثقلین و نجل الحسنین سلطان عبدالقادر گیلانی (قد)، و مدعا مکان دعا کردن حضرت رسول الله ﷺ است و صفا و مروه و سعی و مسجد دارالخیزران که عمر بن الخطاب در آنجا مسلمان شد، و چون حضرت عمر به جهت بیعت، از ناگاه به این مسجد درآمد، حضرت رسول ﷺ پشت مبارک خود را به دیوار مسجد که از کوه صفا بود بنهاد، آن دیوار به مقدار پشت مبارکش واپس رفت، اکنون هر کس که درد پشت داشته باشد، چون

پشت خود را در آن موضع مبارک گذارد، البته در دش بکلی رفع شود و آن مسجد نزدیک صفا باشد، و خانه امام عباس که از برابر باب عباس باشد، و خانه مذکور الآن مدرسه است، و آن سنگ که سلام کرد بر او اشرف المرسلین - صَلَّى اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - و اصحابه اجمعین - و راهش راه باب النبی است، و سنگ مزبور را در دیوار نصب کرده‌اند، و دکان ابی بکر نزدیک آن سنگ بود، و دکان مزبور الآن مسجد است، و مکان توجه طریقت علیّه نقشبندیه خالديه می باشد و خانه خدیجه خاتون نزدیک دکان بود.

صفت خانه خدیجه خاتون

بابش از طرف جنوب است و حوشی کوچک دارد و در میان حوش، سه باب است. یکی از طرف مشرق، و یکی در میان مشرق و شمال، و یکی از طرف مغرب. و این باب خانه شخصی باشد، و آن باب که از طرف مشرق است، خانه‌ای است و در آنجا سه باب است: باب اول، از طرف چپ، حجره حضرت رسول الله ﷺ است و آن حجره گنبدی کوچک است، و در آنجا محرابی باشد، در آنجا نماز بگزارد و دعا کند. و باب دوم، خانه خدیجه خاتون است و آن گنبدی بود و در آنجا دو محراب شاد، در آنجا نماز بگزارد و دعا کند و باب سیم، خانه حضرت فاطمه و مولد اوست و آن باب که از طرف مغرب بود، باب مسجد النبی است ﷺ، و این مسجد و مسجد دارالخیزران هر دو مکان نماز و مصلحت آن حضرت بود با صحابه‌های خود و مسجد دارالخیزران را دارالأرقم نیز گویند. و مکان مصلحت ابوجهل با کفار دارالندوه بوده و آن اکنون مقام حنفی است. و خانه عبدالله پدر حضرت رسول الله ﷺ راهش راه باب علی است - رضی الله تعالی عنه - و آن خانه گنبدی است و در وی چهار جای باشد، جای مریم دختر عمران، مادر حضرت عیسی علیه السلام و جای حوا، امّ البشر، و جای آسیه دختر مزاحم زن فرعون، و جای ساره خاتون زن ابراهیم خلیل الله. و این زنان همه به نزد آمنه خاتون آمده‌اند در وقت ولادت آن حضرت ﷺ. و این چهار جای که مذکور شد، اکنون به پرده سبز پوشیده‌اند و در وسط این خانه، سنگی مرمر سفید باشد که در حین ولادت سر مبارک آن حضرت ﷺ به آن سنگ آمده و به مقدار سر مبارکش گود شده است و بر بالای آن سنگ شباکی مانند سر مناره ساخته‌اند

وآن را هم به پرده حریر سبز پوشانیده به آب طلا مزین کرده‌اند و خانه مولد علی - رضی الله تعالی عنه - از بالای مولد حضرت رسول است صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در کوه ابوقییس نزدیک جای حجر الأسود نماز بگزارد و دعا کند.

کوه ابوقییس و ثور

بدان که چون خدای تعالی حجر الأسود را از بهشت به زمین فرستاد، اول آن را بر بالای کوه ابی قییس نهادند بر بالای کوه، کله پخته گوسفند بخور و از روی اقتدا به آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زیرا که هر که کله گوسفند بر بالای کوه ابوقییس بخورد، دیگر آن کس هرگز سرش درد نمی‌کند. و کوه شهدا نزدیک کوه ابی قییس است و خانه عثمان بن عفان، الآن مدرسه است نزدیک باب ابراهیم و از بالای آن خانه ابی قحافه است، مولد ابی بکر، و از بالای آن مولد امام حمزه است - رضی الله تعالی عنه - .

و گورستان شبیکه راهش راه باب ابراهیم است و به میان بازار می‌رود از طرف مغرب به قدر ربع ساعتی افلا، و در آنجا از صحابه و علما و اولیا و شهدای بی‌شمارند و از بالای آن، از طرف چپ کوهی است که نامش جبل عمر بود و خانه عمر بن الخطاب بر سر این کوه است و آن خانه اکنون خراب است.

و اما آن غار که در کوه ثور باشد و آن در قرآن مجید مذکور است، قوله تعالی: ﴿ثَانِيِ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ﴾ مسافتش از مکه دو ساعت است و ربع ساعتی است و راهش راه باب الشریف بود از جانب راست قلعه عتیق و آن راه همه کوه سار و سنگلاخ است، مگر اندکی در ما بین دو کوه که آن کوهسار نیست و آن غار دو باب دارد؛ از باب اول داخل شود و آن باب بسیار کوچک است. در آنجا نماز بگزارد و دعا کند و از باب جبرئیل بیرون رود و آن باب بسیار بزرگ است. باب اول از طرف مغرب است، و باب جبرئیل از طرف مشرق و از بالای آن غار هم، غار دیگری است که عبدالله بن عباس - رضی الله تعالی عنهما - کتاب جلالین را در آنجا تصنیف کرده است [!].

و از بالای کوه ثور جایی است که حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از بیرون آمدن از غار با جبرئیل و ابی بکر آنجا نشسته‌اند.

کوه نور

و اما کوه نور مسافتش از مکه یک ساعت و ربع ساعتی باشد. راهش راه مسجد الحصب است از بالای جنة المعلا، و جایی که شکم مبارک آن حضرت ﷺ را در آنجا شکافتند از بالای کوه نور است، از طرف راست آنجا مسجدی کوچک است و از طرف چپ نیز مسجدی کوچک می باشد که هیچ یک سقف ندارد و در این مسجد نماز بگزارد و دعا کند.

بعد از آن به قدر ربع ساعتی به طرف قبله رفته، غار حرا را زیارت کند و آن غاری است که در آنجا سوره اقرأ نازل گشت و حضرت رسول ﷺ پیش از مبعث در آنجا عبادت - حق سبحانه و تعالی - را می کردند در آن غار نماز بگزارد و دعا کند و جای آن درخت که در زیر آن شش تن از عشره مبشره بیعت کردند، به حضرت رسول ﷺ، الآن گنبدی سفید است و آن در قهوه خانه شمیث می باشد و راهش راه جده است از مکه مکرمه تا شمیث شش ساعت و نیم است.

و در دار العلم مکه مکرمه قبور اولیا را زیارت کند، مثل سید عبدالرحمان خندقی نزدیک گورستان شبیکه و شیخ مارون نزدیک خانه شریف مکه و سید علی بدری نزدیک تکیه شیخ عبدالقادر گیلانی (قد)، و شیخ محمود در راه عمره نزدیک اول خانه های مکه - زادهای الله شرفاً - (تا فریم ۵۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

[از جده تا ایران]

در بیان منازل راه دریا

از مکه مکرمه تا شهر جداء [جده] هجده ساعت است؛ به این ترتیب: قهوه خانه بسطان، یک ساعت و نیم است. قهوه خانه مکتله، دو ساعت است. قهوه خانه سالمیم، یک ساعت و نیم است. قهوه خانه شمیث، یک ساعت و نیم است. قریه حداء دو ساعت است. قهوه خانه بحره، دو ساعت است. قهوه خانه عبد، دو ساعت است. قهوه خانه جراو، دو ساعت است. قهوه خانه ترکی، یک ساعت و نیم است. شهر جداء، دو ساعت است.

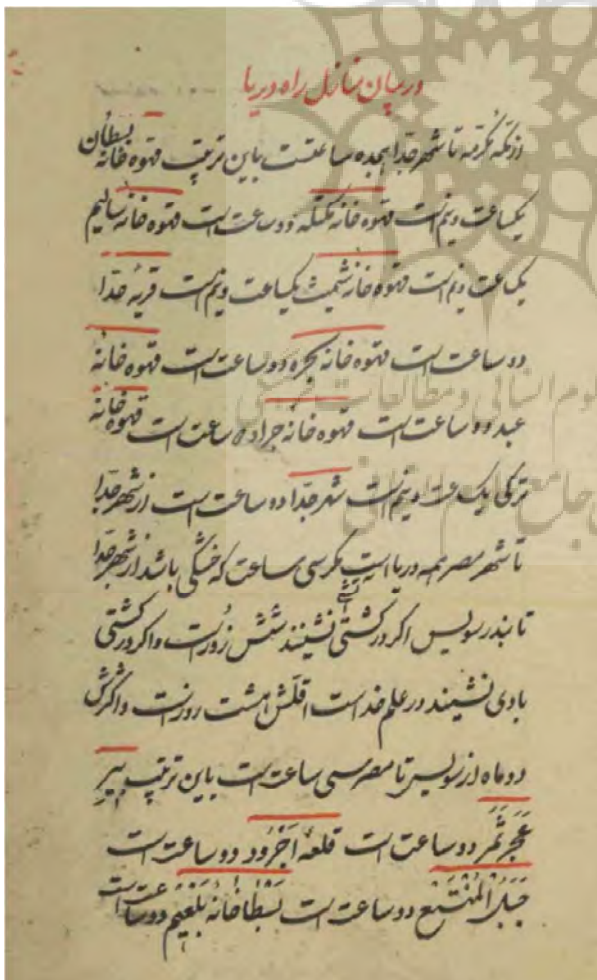
از شهر جدا تا مصر [یعنی قاهره]، همه دریاست مگر سی ساعت که خشکی باشد. از شهر جدا تا بندر سویس [= سوئز]، اگر در کشتی آتشی نشینید شش روز است، و اگر در کشتی بادی نشینید در علم خداست. اقلش هشت روز است و اکثرش دو ماه. از سویس تا مصر سی ساعت است. به این ترتیب؛ بئر عجر ثمر، دو ساعت است. قلعه اجرود، دو ساعت است. جبل المُنْتَع دو ساعت است. بسطاخانه بلعیم دو ساعت است. و بسطاخانه [= پست خانه] جای اسپان چاپارخانه را گویند. بسطاخانه لحفایر چهار ساعت است. شیخ تکروری دو ساعت است. شجره دار الحمره دو ساعت است. بسطاخانه وَبّه چهار ساعت است. بسطاخانه انصوری چهار ساعت است. بسطاخانه اظهر سه ساعت است. شهر مصر سه ساعت است.

از مصر تا دارالفسق! اسکندریه اگر در کشتی بادی نشینید هشت روز است و اگر در کشتی آتشی نشینید یک روز. ما بین اسکندریه تا استنبول اگر در کشتی آتشی نشینید هفت روز

است و اگر در کشتی بادی نشینید در علم خداست. اقلش چهل روز است، و اکثرش چهار ماه.

از استانبول تا طرابزان، اگر در کشتی آتشی نشینید سه روز است، و اگر در کشتی بادی نشینید در علم خداست. اقلش ده روز است و اکثرش دو ماه.

از طرابزان تا ارض روم شصت و شش ساعت است. از ارض روم تا دارالصفای خوی هشتاد و یک ساعت است. و از خوی تا ارومی بیست و شش ساعت است، و از ارومی تا ساوجبلاغ مکرری شانزده ساعت است. و الله اعلم بالصواب.



[چند اندازه]

طول گور حوا، ام البشر - رضی الله عنها - یک صد و هشتاد و پنج گز است به گز شاهی و بر بالای ناف او گنبدی ساخته‌اند و گورش در شهر جده است.

طول مسجد ایاصوفیه در اسلامبول که در ما بین قبله شمال واقع است یکصد و بیست و شش گز است به گز شاهی، و عرضش یک صد و شش گز.

طول پلی در ما بین اسلامبول و قلاتیه واقع است، هفتصد و هفتاد و پنج گز است به گز شاهی. و السلام علی من اتبع الهدی. ۱۲۹۶

نتیجه گیری

این رساله، با وجود آن که اثری فقهی است، اما به جهت اشمال آن بر نکات تاریخی و جغرافیایی مورد توجه قرار گرفت و چنان که مشاهده فرمودید، گزارش های خاص آن در باره مسیر حج، شهرهای میان راه و نیز دشواری ها و مشکلات برخی از نقاط و نیز کمبودها و دارایی های آن بیان شد. حساسیت نویسنده، چنان که بدست آمد، روشنتر برخی از نکات تاریخی و جغرافیایی در اواخر قرن سیزدهم هجری است و بدین ترتیب ما توانسته ایم، معلومات تازه ای را در باره برخی از اماکن تاریخی که بعدها مورد فراموشی واقع شده، بدست آوریم.